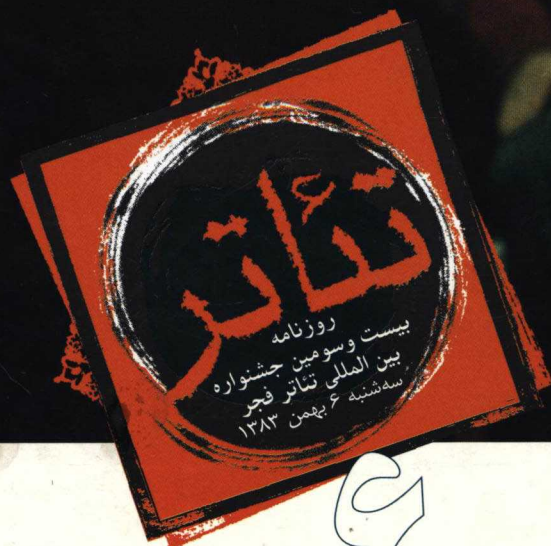


● ملاقات بانوی سالخورده
◀ تئاتر خیابانی و بلوغ فرهنگی جامعه
■ گذر از روز ششم

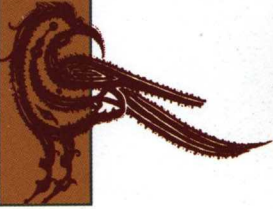


همه ویدئو تئاترها، هر روز نمایش داده می‌شوند

علاقه‌مندان به ویدئو تئاتر می‌توانند هر روز از ساعت ۱۰ صبح تا چهار بعد از ظهر، برنامه‌های مورد علاقه خود را در تالار تجربه خانه هنرمندان پی‌گیری کنند.

در جدول برنامه‌ها، هر روز نام یک اثر به چشم می‌خورد اما در واقع تمام ویدئو تئاترها روزانه تکرار می‌شوند.

ویدئو تئاترهایی که به نمایش در می‌آیند عبارتند از: ویتسک (یونس لطفی) - آخر بازی (هوپند لشکری نژاد) - کالیگولا (میثم‌امیر اصلانی) - هملت (مهدی میر محمدی) - کودک مدفون (کیوان رغیب مطلی) - در انتظار گودو (فرهاد فزونی) - یرما (پانته آ اصلانی) و مده آ (رامین سیار دشتی)



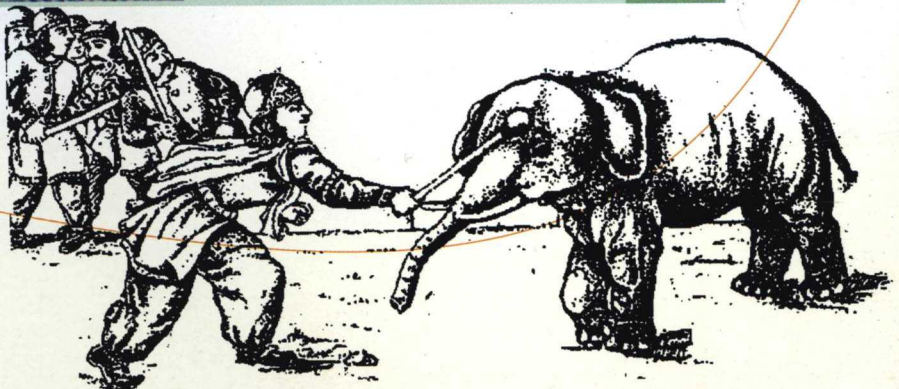
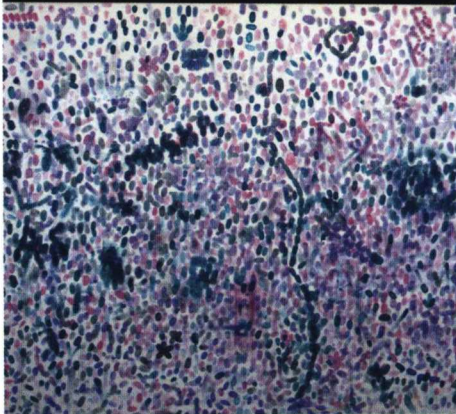
تغییر در جدول نمایش‌ها

با تغییر برنامه گروه تئاتر زاهدان، سه تغییر دیگر هم در برنامه جشنواره تئاتر فجر ایجاد شد. گروه تئاتر زاهدان با نمایش «معلمی به نام صفر» به دلیل وزش طوفان در این منطقه دیروز به اجرای خود نرسید و به جای این نمایش گروه نمایشی «داستانهای کارور» به کارگردانی آرش دادگر اجرای مجددی داشت.

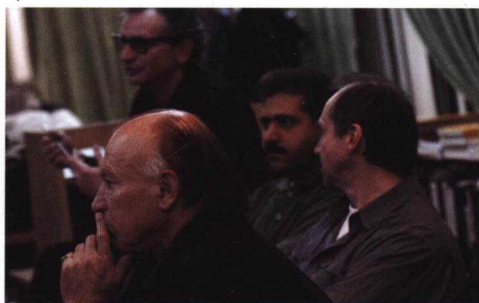
به دنبال این تغییرات، نمایش «خواستگاری و خرس» به کارگردانی «حسن معجونی» در تاریخهای ششم و هفتم و نمایش «معلمی به نام صفر» به کارگردانی علیرضا ارجونی نیز در همین تاریخها به ترتیب در سالنهای کافه تریای اصلی تئاتر شهر و تالار نو اجرا می‌شوند.

تابلوی انگشتهای کامل می‌شود

تابلوی «اثر انگشت» چخوف در جشنواره بیست و سوم تئاتر فجر همچنان مورد توجه است. تابلوی «اثر انگشت» که به مناسبت صدمین سالمرگ «آنتون چخوف» در کنار درب تالار سایه نصب شده و مورد استقبال تماشاگران و مخاطبان تئاتری واقع شده همچنان در بیست و سومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر مورد توجه است و تماشاگرانی که به دیدن نمایشهای سالنهای چهارسو و سایه‌می‌آیند، آثار انگشت خود را در این تابلو می‌گذارند.



با استقبال خوبی مواجه شدیم



گروه تئاتر «مارین باد» از کشور آلمان، روز گذشته با حضور تمام اعضای در کتابخانه تئاتر شهر به گفت‌ووشنود پیرامون نمایش «اسرار شبانه پرو» پرداختند.

«دیتر کومل»، کارگردان هنری این گروه با اشاره به استقبال چشمگیر مخاطبان ایرانی از نمایش «اسرار شبانه» گفت: «بار نخست بود که با عروسکهایی مدرن، در چنین فضای بزرگی این نمایش را اجرا می کردیم و خوشبختانه با استقبال بسیار خوبی مواجه بودیم، به خصوص اینکه همه تماشاگران به طور عجیب و مطبوعی کار ما را دنبال می کردند.»

وی همچنین در باره مفاهیم مورد توجه در این نمایش، گفت: «یک داستان رمانتیک در پس گردش روز و شب دنبال می شود، که به اعتقاد من موضوعی کاملاً جدی است و از این روتنها برای خندانند و سرگرم شدن مورد توجه قرار نمی گیرد.»

کومل در این باره، افزود: «من قصد دارم تا در پس این نمایش، مخاطبان را به فکر وادار کنم و آنها را به رویا فرو برم. هر چند که مخاطبان آلمانی برعکس مردم ایران، چندان به موضوعات فلسفی علاقه مند نیستند.»

این کارگردان تئاتری در ادامه این نشست با اشاره به نحوه کار گروه نمایش، گفت: «ما معمولاً برای اجرای نمایشهای خود تمرینات زیادی انجام می دهیم، زیرا که نمایشهایمان را هم برای زمانهای طولانی به اجرا می گذاریم. مثلاً همین کار «اسرار شبانه پرو» حدود هفت سال در آلمان اجرا داشت.»

وی همچنین درباره تکنیک های عروسک گردانی در این نمایش، گفت: «تکنیک عروسکی ما را در هر نمایش، همان اثر تعریف می کند ولی قاعدتاً ما در تمام کارهایمان ترکیبی از عروسک و بازیگر را بر روی صحنه می بینیم و در برخی از اجراها و یا صحنه های نمایشی، عروسک گردان به عنوان وجدان عروسک ظاهر می شود. به همین دلیل حضور فیزیکی این افراد برای ما از اهمیت ویژه ای برخوردار است.»

در پایان این نشست، دیتر کومل با اشاره به حضور قبلی گروه و اجرای «پارسیفال» در اصفهان، گفت: «ما آن روز و امروز به عنوان سفیر فرهنگی آلمان در ایران حاضر نشده ایم. به همین دلیل و طی صحبت با دکتر خسرو نشان از ایشان درخواست کردیم که دو نمایش را از کارهای خوب ایرانی برای شرکت در جشنواره های که سال ۲۰۰۶ در فرایبورگ برگزار می شود، به ما معرفی کنند. این جشنواره با موضوع «مذهب، دین و باور» قرار است سال آینده در فرایبورگ آلمان برگزار شود.»

از کارگردانان
می پرسیم
از اجرای تان راضی
بودید؟

امروز بهر روز غریب پور پاسخ می دهد

«ایکارو» به کارگردانی بهروز غریب پور از جمله نمایشهایی بود که با صفهای طولانی روبه رو شد.

✽ از اجرای تان راضی بودید؟

– بله، اجرای بسیار خوبی بود، چون به ایده هایی که داشتم رسیدم و احساسم این است که تماشاگر تأثیر خوبی از این نمایش گرفت و باید بگویم تمام کوشش من این بود که بین سینما، تئاتر و تئاتر عروسکی پیوند و انسجامی برقرار کنم که خوشبختانه این امر میسر شد. نکته بعدی اینکه پلی بک کردن یک نمایش با یک اجرای زنده دقیقاً اتفاق نیافتاده بود و من احساس می کنم بازتاب این موضوع با دو اجرای دیشب مثبت بود، هر چند که زمان تمرین برای ما بسیار کم بود و امیدوارم در اجرای عمومی بهتر شود.

✽ استقبال تماشاگران چگونه بود؟

– خوشبختانه هر دو شب تماشاگران سالن را پر کردند، حتی بیش از ظرفیت سالن تماشاگر آمده بود و بعد از اجراها از ابراز احساسات تماشاگران دریافتم که آنها از کار راضی بودند، مگر اینکه بعدها معلوم شود که راضی نبودند و تعارف می کردند.

✽ به آن چیزی که می خواستید رسیدید؟

– بله، برای اینکه خود این نمایش فرصت چندانی برای تمرین نداشت ولی بازیگران و عوامل هر آنچه که می بایست را کاملاً انجام دادند. فقط این نکته را یاد آور شوم که آنچه مهم است این است که بسیاری از تماشاگران ما از سرنوشت نابغهای چون «مایر هولد» که قربانی یک ایدئولوژی بسیار خشن شده بود، بی خبر بودند. ما در اجرای عمومی فرصت بیشتری داریم تا این نمایش را بهتر و مؤثر تر اجرا کنیم.

موسیقی در خدمت نمایش

گزارشی از موسیقی نمایش های
شرکت کننده در جشنواره تئاتر فجر

آزاده کریمی

نمایش های راه یافته به جشنواره بیست و سوم هر کدام به سبک و سلیقه خود از موسیقی بهره گرفته اند و این استفاده، گاه تفاوت های بسیاری در هنگام اجرا پیدا می کنند. نمایش هایی که موسیقی برای آنها به عنوان ابزار در کنار تئاتر به کار می رود و یا گاه حضوری برای بودن صرف دارند. اما آنچه حضور یا عدم حضور موسیقی را در گرماگرم جشنواره تئاتر امکان می بخشد، رسیدن ها و نرسیدن ها، بودجه، هماهنگی و داشتن یک نگاه منسجم نسبت به عنصر نمایش است. در سال های پیشین همیشه بوداند گروه هایی که با نداشتن امکانات لازم از به کار بردن موسیقی، هر چند مختصر محروم شدند. این است که موسیقی منحصرادر جشنواره به عنصری مختصر و مفید تبدیل می شود که کمتر گروهی وقت و انرژی برای آن خواهد گذاشت.

رحیم نوروزی کارگردان «شما یک خانم با مانتوی آبی ندیدید» درباره نحوه بهره گیری اش از موسیقی می گوید: «موسیقی را به صورت انتخابی استفاده کرده ایم که با افکت همراه است. البته ابتدای کار قرار بر ساخت موسیقی داشتیم که آهنگساز به این نتیجه رسید که هیچ لحظه ای از کار نیاز به همراهی با موسیقی ندارد. اما در لحظاتی از موسیقی سه رنگ کیشلوفسکی کمک گرفتیم که به ما فضایی کابوس گونه را القا کند»

داود دانشور پیرامون به کارگیری موسیقی در نمایش «آنوا» می گوید: «موسیقی انتخابی است و چون بستر کار آفریقا است، از موسیقی های آن نواحی استفاده کرده ایم، از جمله غنا و کشورهای همجوارش که از سازهای سنتی و آوازهای سنتی برخوردارند»

محمد فرشته نژاد، آهنگساز نمایش «خانم سرگرد باربارا» به کارگردانی مهرداد رایانی مخصوص، موسیقی به کار گرفته در این نمایش را چنین تشریح کرد: «موسیقی زنده است و از چهار نوازنده بهره می گیرد که سازهای کیبورد، تمپانی، گیتار و سازهای کوبه ای را می زنند. گیتار برای القای شکست و تنهایی سرگرد استفاده می شود و درام برای القای فرم رزمی و مارش گونه به عنوان حس شادابی و نشاط به کار گرفته می شود. البته استفاده از این سازها در راستای ایجاد محیطی غربی انجام شده است.»

نوید گوهری، آهنگساز نمایش «یک شب دیگر هم بمان سیلویا»، موسیقی این نمایش را زنده و همراستا با نمایش تعریف می کند و می گوید: «نوازنده روی صحنه حضور دارد و به نوعی در بازی ها شریک است و راوی تمام ماجرا محسوب می شود. خود موسیقی دارای شخصیت است و بیانگر ذهن سیلویاست. موسیقی ای که استفاده می شود، بیشتر از تم های آشنا ساخته شده است که برای مخاطب ملموس ترند. این ملودی ها با سازهای ساده ای که مثل ذهن سیلویاست نواخته می شوند. موسیقی لحظاتی برای بروز ذهنیت آشفته سیلویا مخالف جریان صحنه ارایه می شود.»

آرشام مؤدبیان، آهنگساز نمایش «چشم اندازی از پل» درباره موسیقی کار می گوید: «موسیقی انتخابی است و از سبک اوران راک استفاده شده است و سال های ۱۹۵۵-۶۰ را در بر می گیرد. این موسیقی حفاصل پاپ و راک است و از کار خواننده هایی چون الویس پریسلی نیز استفاده شده است.»

در انتها محمد یعقوبی کارگردان نمایش «تنها راه ممکن» موسیقی نمایشش را غیر ایرانی می خواند و می گوید: «موسیقی کلاسیک است و آشنا، اما نه به معنی عام که شخص خودم آن را انتخاب کرده ام.»

گفت و گو با محمود فرهنگ - دبیر بخش خیابانی

تئاتر خیابانی به بلوغ فرهنگی جامعه می اندیشد

ماه پلنگ

انصافاً بخش خیابانی جشنواره بین‌المللی فجر، مردمی‌ترین بخش جشنواره است. ارتباط بی‌واسطه با تماشاگر جزو ذات این بخش است و همین نکته - شاید - به رشد روز به روز آن کمک کرده. بامحمود فرهنگ که سالهاست دبیر این بخش از جشنواره است در کوران جشنواره به گفت‌وگو نشستیم.

***معمولاً بخش خیابانی جشنواره فجر، مردمی‌ترین بخش جشنواره است. شما هم سال‌هاست دبیر این بخش هستید. خود شما در باره ماهیت این بخش از جشنواره چه فکر می‌کنید؟**

- به گمان من بخشی از نیازهای تئاتری کشور در این بخش نهفته است. وقتی ما گله می‌کنیم که تماشاگر و مخاطب نداریم برای این است که اقشار مختلف جامعه ارتباط و آشنایی‌اشان با تئاتر کم‌رنگ است. بخش خیابانی هم میتواند در این راستا به تئاتر کمک بکند چون مثلاً رسانه قدرتمندی چون تلویزیون در این سالها کمتر به تئاتر پرداخته است. سالهای گذشته این بود فکر می‌کردم که

چطور می‌شود تئاتر را بین مردم برد و تربیت تماشاچی کرد. آن زمان شاید ۷ الی ۱۰ گروه بودند که به طور حرفه‌ای کار تئاتر خیابانی می‌کردند. خوشبختانه در این سالها سیل علاقه‌مندان فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌ها این توان و انرژی را به تئاتر خیابانی داده که بتواند پیکره فعالیت‌هایش را با تعداد زیادی جوان تحصیل‌کرده و علاقه‌مند به تئاتر پی بگیرد. از طرفی تئاتر سالنی کشور مان نمی‌تواند این همه فارغ‌التحصیل را در خودش جا

بدهد، نه گنجایشش را دارد و نه بودجه‌اش را. این را هم بگویم که تئاتر خیابانی با آنکه ظاهرش گونه‌ای از نمایش آسان به نظر می‌رسد اما باطناً، بسیار سخت و پیچیده و پر از زحمت است. برای اینکه در نمایش‌های صحنه‌ای همه امکانات برای گروه حاضر است اما در خیابان هیچ امکانی فراهم نیست و چه بسا مخالف شرایطی است که گروه نیازمند آن است.

تلاش‌های زیادی شد که تئاتر خیابانی بتواند در سراسر کشور رشد کند و جایگاه خودش را پیدا کند.

*** آیا آماری از این رشد که می‌گویید، وجود دارد؟**

- خوشبختانه امروزه در ۸۰ درصد استانهای کشور، گروه‌ها فعال هستند و بسیار مشتاق و ما در صورتیکه گنجایش داشتیم و می‌توانستیم از شهرستان‌ها ۱۰۰ گروه را دعوت کنیم اما ناچار بودیم فقط ۴۴ کار را داشته باشیم که باز از بین آنها ۱۰ کار گزینش شد.

نمایش خیابانی در کشور ما که ریشه‌هایش بر می‌گردد به نمایش‌های بومی خود ما، یک نمایش صدر در صدر مردمی است و نگاهش بیشتر جنبه فرهنگی دارد و به بلوغ فرهنگی جامعه می‌اندیشد.

*** چقدر به مسأله کیفیت اهمیت داده می‌شود؟**

- اگر به جشنواره سیزدهم برگردیم که برای اولین بار تئاتر خیابانی در آن به صورت جدی در حاشیه جشنواره مطرح می‌شد تا امسال تفاوت بسیاری خواهیم دید. در یک دورهای همه نمایش‌ها در ژانر مشخصی اجرا می‌شود. یا



پهلوانی بود، یا زنجیر پاره کردن یا موش و بچه موش و نقالی. اما امروز مایه گونه‌ها و ژانرهای دست پیدا کرده‌ایم که خاص خود گروه است. مثلاً گروهی که ۱۳ سال است روی شکل خاصی چون نمایش اپیزودیک یا اجرای نامرئی کار می‌کنند یا نمایش‌های بدون قصه یا بدون کلام و...

خوشبختانه آنقدر در تنوع موضوع و نگاه پیشرفت کرده‌ایم که می‌توانیم در جهان حرف بزنیم. مثلاً چند سال پیش یک گروه ایرانی جایزه یونیسک جهانی را دریافت کرد یا گروهی که اخیراً با یک نمایش آیینی خیابانی در ایتالیا حاضر شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت.

پس رشد کمی و کیفی در حد خوبی است. از نظر تمایل و جذب تحصیل‌کرده‌ها هم بسیار موفق عمل شده. بیش از ۹۰ درصد گروه‌های حاضر یا فارغ‌التحصیل، دانشجویان یا استادان این رشته هستند.

*** درباره افزایش بودجه چه کاری کرده‌اید؟**

خوشبختانه اتفاقات جدی که در جشنواره بین‌المللی فجر، آیینی سنتی و عروسکی برای بخش خیابانی افتاد باعث شد خیلی‌ها به این فکر بیافتند که اختصاص بودجه‌ای برای این بخش بسیار ضروری است. معمولاً تئاتر خیابانی در کشور ما براساس همان سوبسید زندگی می‌کند، چون تئاتر خیابان پولی در نمی‌آورد.

نسبت به گذشته الان از نظر بودجه رشد زیادی کرده‌ایم. سال گذشته با ۵ گروه برگزیده جشنواره قرار داد بسته شد که شهرستانی‌ها در شهرستان خودشان و تهرانی‌ها در مرکز کارها را اجرا کردند. امسال بناست این تعداد را به ۲۰ گروه برسانیم. ۱۰ گروه شهرستانی و ۱۰ گروه تهرانی. این نوید خوبی است تا تئاتر خیابانی هم بتواند در تثبیت خود حرکت کند.

*** و ویژگی دیگر این بخش نسبت به سال‌های قبل چیست؟**

هر سال برای خودش ویژگی منحصر بفردی دارد. شاید ویژگی امسال این باشد که ما ۳ کار از بین ۶۸ کار متقاضی در جشنواره میروان را به جشنواره فجر آوردیم. یک کار از جشنواره خیابانی عروسکی و یک کار برگزیده از جشنواره سراسری دفاع مقدس را هم به جشنواره دعوت کردیم. از بین ۱۱۳ گروه تهرانی فقط ۱۶ گروه انتخاب شد و تلاش بود که بهترین کارها را انتخاب کنیم و از بین ۴۴ گروه شهرستانی، ۱۰ گروه انتخاب شد یعنی به بالا بودن کیفیت کارها توجه شده است.

دیگر اینکه ۳ گروه از فرانسه و یک گروه از لهستان در جشنواره امسال و در بخش خیابانی حضور دارند که نویدی است برای تعاملات بیشتر بین‌المللی در بخش خیابانی.

دیگر اینکه امسال رقابت نیست و انگیزه‌ها بیشتر برای این است که کار بهتری را نزد مردم اجرا کنند تا به اجرای عمومی برسند.



گذر از روز ششم

*سجاده صاحبان زند - مجید توکلی

روز ششم باور می‌کنید؟ روز ششم شاید بهترین و تنها کاری که می‌شود در این روزها انجام داد، این که تا می‌توانید تئاتر ببینید که غفلت موجب پشیمانی است. از صفحه در انتظار گودو هم لطفاً غافل نشوید

خواتین پنج قلعه؛ ماجرای ده بالا و ده پایین

آتیلا پسیانی یکی از پرکارهای جشنواره امسال است. او علاوه بر آن که نمایش «هابیل و قابیل» را کارگردانی و بازی کرده است، نویسندگی و کارگردانی «تلخ مثل عسل» را نیز بر عهده داشته و نویسنده «خواتین پنج قلعه» هم هست. این نمایش داستان «آشوب» است که عاشق «صنوبر» شده صنوبر از اهالی ده پایین است و آشوب از بالاده. سالهاست که مردم این دو ده با هم در حال جنگ هستند. آن‌ها هنگام جنگ، مردان را می‌کشند و زنان و کودکان را به اسارت می‌گرفتند. صنوبر، آتش و طوفان، فتح پنج قلعه را روایت می‌کنند»

در این نمایش مهتاب نصیر پور، ثمینه لسانی و ژاله شعاری بازی می‌کنند و کارگردانی آن به عهده مریم کاظمی است. کارگردان نمایش «خواتین پنج قلعه» در باره کارش می‌گوید: «این نمایش براساس

داستان «زنان تروا» نوشته شده است. من از آقای پسیانی خواستم که داستان را ایرانی کنند. ایشان هم پذیرفتند و نمایشنامه‌ای براساس آن نوشتند»

«خواتین پنج قلعه» براساس شیوه بازی در بازی اجرا می‌شود، یعنی داستان به گونه‌ای است که سه زن، که هر کدامشان هم بازیگر هستند، نقش‌هایی را بازی می‌کنند. میر کاظمی در توضیح این کار می‌گوید: «نمی‌دانم که اسم این کار را می‌شود کاری واقع‌گرا گذاشت یا نه. ولی به‌نظرم هیچ متن

و اجرایی نمی‌تواند از امکانات واقع‌گرایی بی‌بهره باشد».

دکور این نمایش توسط امیر اثباتی طراحی شده و یک دکور گرد معمولی است. لباس‌ها هم به گونه‌ای است که برای تماشاگر باور پذیر باشد» خواتین پنج قلعه در ساعت‌های ۱۸ و ۲۰ در تالار قشقایی به روی صحنه می‌رود. گذر از روز ششم؛ کسی که دیگر نبود

«داستان مرگ یک دانشجو به دست پدر همکلاسی‌اش»

این کار را علی نرگس نژاد نوشته و کارگردانی کرده است. او دلیل اجرای این نمایش را دغدغه‌های اجتماعی می‌داند و می‌گوید: «فکر می‌کنم که هیچ وقت نمایش‌های باستان از بین نمی‌رود، بلکه رخ عوض می‌کند و دوباره در جامعه حضور پیدا می‌کنند. این نمایش هم از این منظر قابل بررسی است» کارگردان و نویسنده «گذر از روز ششم»، مهمترین مسأله و خصوصیت کارش را اجرای چند صدایی در آن می‌داند: «شمایل کار در هفت عکس و تابلو صورت می‌گیرد ما با چند بعد از قصه روبرویم»

او دکورهای نمایشش را «تم‌گرا» می‌داند. یعنی تصویری که از خانه می‌بینیم، یک تصویر اسطوره‌ای است و «خانه» به‌عنوان اسطوره و نمادی از کل جهان است» «جهان همچون اراده دو خواب بیننده»، «یک خروس فاصله تا بهشت»، «نفس کشیدن در سرزمین لیز» و ... از دیگر کارهای کارگردان است.

«گذر از روز ششم» در ساعت‌های ۱۶ و ۱۹ در تالار کوچک روی صحنه می‌رود.

ویتسک؛ راهی به سوی جنون

همه چیز از بی‌پولی شروع می‌شود، درست مثل «ویتسک که سرباز بی‌پولی است و مدام مجبور است کار کند تا از عهده

مخارج زندگی خود و همسر و فرزند کوچکش برآید. در این بین افراد مختلف از جمله دکتر، سروان، متصدی نمایش و دیگران از سادگی و پاکی او سوگو استفاده می‌کنند. او نهایتاً بر اثر فشارهای روحی و مشکلاتی که رئیس طبال‌ها و همسرش ایجاد می‌کنند، به مرز جنون می‌رسد که منجر به قتل همسرش می‌شود»

این نمایش که براساس نوشته‌های از کارل گنورگ بوخنر، نمایشنامه نویس آلمانی کار شده، توسط مسعود دلخواه کارگردانی شده و بازیگران آن عبارتند از: ایمان افشاریان، ریحانه سلامت، بهروز مسروری، حمیدرضا هدایتی، پرویز گودرزی و شکرخدا گودرزی. «ویتسک» ساعت‌های ۱۵ و ۳۰/۱۷ در تالار مولوی روی صحنه می‌رود و ۹۰ دقیقه طول خواهد کشید.

خواستگاری و خرس؛ شما اشتباهی آمده‌اید

چند هفته پیش، هفته چخوف در تهران بود. در همان هفته، یکی از نمایش‌های چخوف روی صحنه رفت که همان تئاتر، امروز هم روی صحنه می‌رود: «مردی به خواستگاری دختر همسایه‌اش می‌رود و در هنگام گفت‌وگو با دختر، بحث بر سر املاک دو خانواده شروع می‌شود. هر کدام از آنها به دفاع از زمین‌های خود می‌پردازد. دعوا شدت می‌گیرد و خواستگاری به فراموشی سپرده می‌شود».

حسن معجون‌ی که این کار را کارگردانی کرده، در مورد آن می‌گوید: «این نمایش از آن کارهایی بود که دوست‌اش داشتم و به مناسبت هفته چخوف کار شد. خواستگاری و خرس، یک کار کمدی است و ارجاعات خودش را دارد». دکور این کار، یک سری وسایل ساده‌است که در هنگام اجرا کم و زیاد می‌شود

در «خواستگاری و خرس» شبنم فرهاد جو، هنگامه قاضیانی، سینا رازان، رضا بهبودی و سعید چنگیزیان بازی می‌کنند و در ساعت ۱۶ در تالار نو روی صحنه می‌رود. مدت زمان این نمایش ۶۰ دقیقه است. در ضمن، «خواستگاری و خرس» فردا هم در همین ساعت‌ها و همین تالار، دوباره اجرا خواهد شد.

گیوه‌های زرین؛ دیو و دلبر

رضا وافر، با کار «گیوه‌های زرین»، امسال در جشنواره حاضر شده‌است. او این نمایش را خودش نوشته و کارگردانی کرده‌است و خلاصه داستان آن را این‌طور تعریف می‌کند: «در کشاکش چرخ گردون، دلی، دلبری و دلشکنی و...».

در این نمایش امجد زمانی، فریده نظری، فاضل خانی، فاطمه شعبانی، شاهرخ روشنی و رضا روشنی بازی می‌کنند و در ساعت‌های ۱۸ و ۱۶ در تالار هنر روی صحنه خواهد رفت. مدت این نمایش ۶۴ دقیقه است.

عکس یادگاری، خاطراتی از باغ وحش

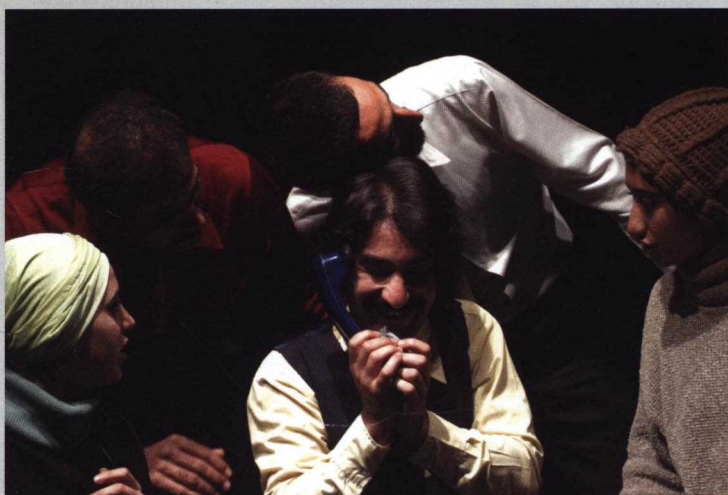
دکتر قطب‌الدین صادقی یکی از بنام‌های تئاتر ایران است. او امسال با نمایش «عکس یادگاری» در جشنواره حضور یافته است. «عکس یادگاری»، «قصه زن و مردی است که به همراه پسرشان به باغ وحش می‌روند تا در کنار دیگران عکس یادگاری بگیرند و... این نمایش که نوشته خود قطب‌الدین صادقی است، نمایشی واقع‌گراست و خط داستانی نه چندان پیچیده‌ای دارد. در «عکس‌یادگاری»، کاظم هژیر آزاد، کرامت رود ساز،

نعمت اسداللهی، شمس صادقی، ناصر عاشوری و امیر اوچمند بازی می‌کنند.

«عکس یادگاری در ساعت‌های ۱۷ و ۲۱ در تالار چهار سو اجرا می‌شود. مدت این نمایش ۷۵ دقیقه خواهد بود.

همچنین نمایش‌های «رویا در نیمه شب تابستان» (ساعت ۱۶ و ۳۰/۱۸، تالار سنگلج)، تلخ مثل عسل، (ساعت‌های ۱۴ و ۲۰، کارگاه نمایش)، دینگ مارو (ساعت ۱۵، کافه تریای تالار اصلی)، مده آ (ساعت ۳۰/۱۷ و ۲۰، تالار سایه) الهملت (ساعت ۳۰/۱۸، تالار اصلی) و مجلس شبیه خوانی حر (ساعت ۱۴ در فضای باز تئاتر شهر) به روی صحنه خواهند رفت.



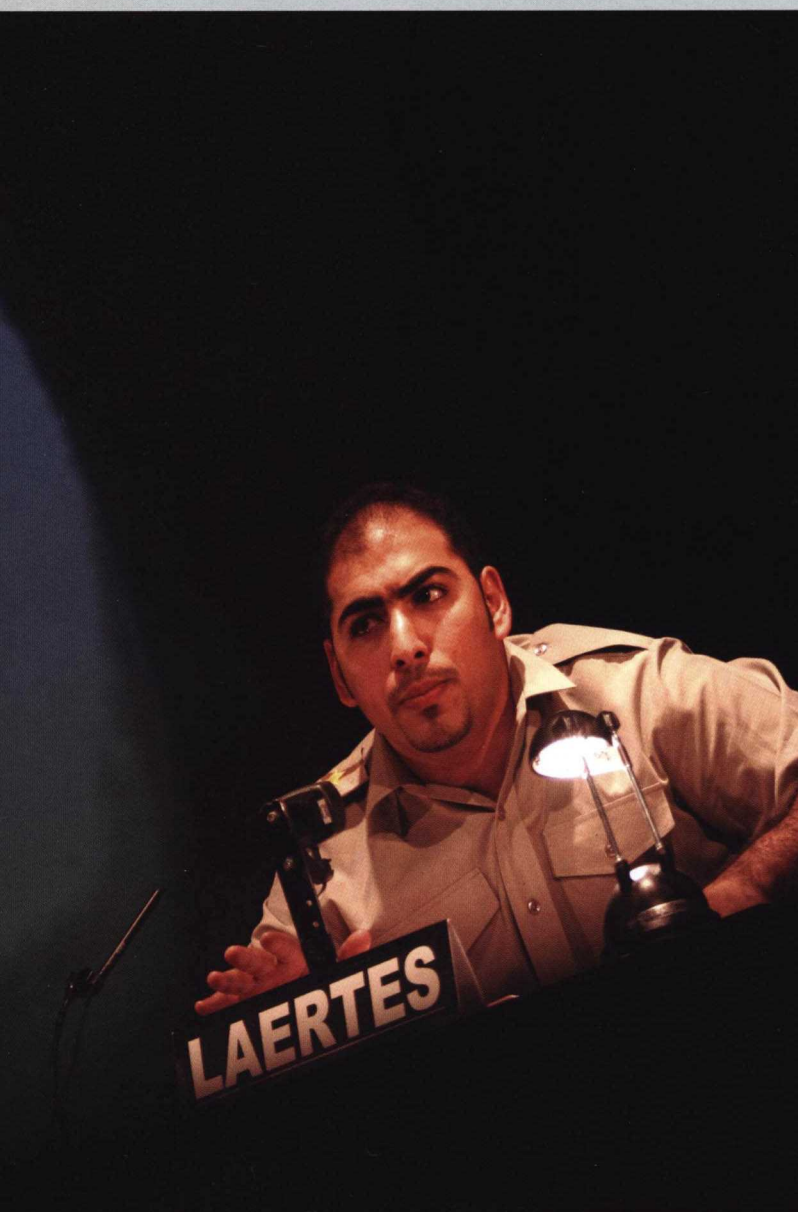


۲



۱

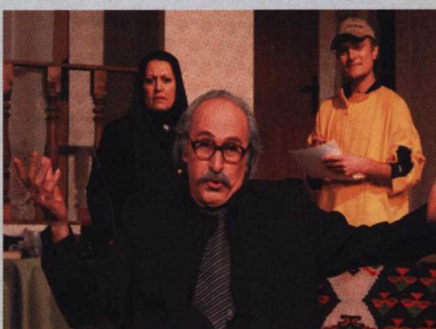
- ۱۱۱ و شاپورچه بسیار سفر کرد و برگردید
- ۲ یک تئاتر مستند
- ۳ رویاهای شوین چرت می‌زند
- ۴ هفت طبقه
- ۵ شهرهای نامرئی
- ۱۰۰۶ آنتیگونه
- ۷ الهملت
- ۸ تهران ساعت ۲۲
- ۹ استخوانهای طلایی
- عکس روی جلد نمایش آنتیگونه



۱۰



۶



۹



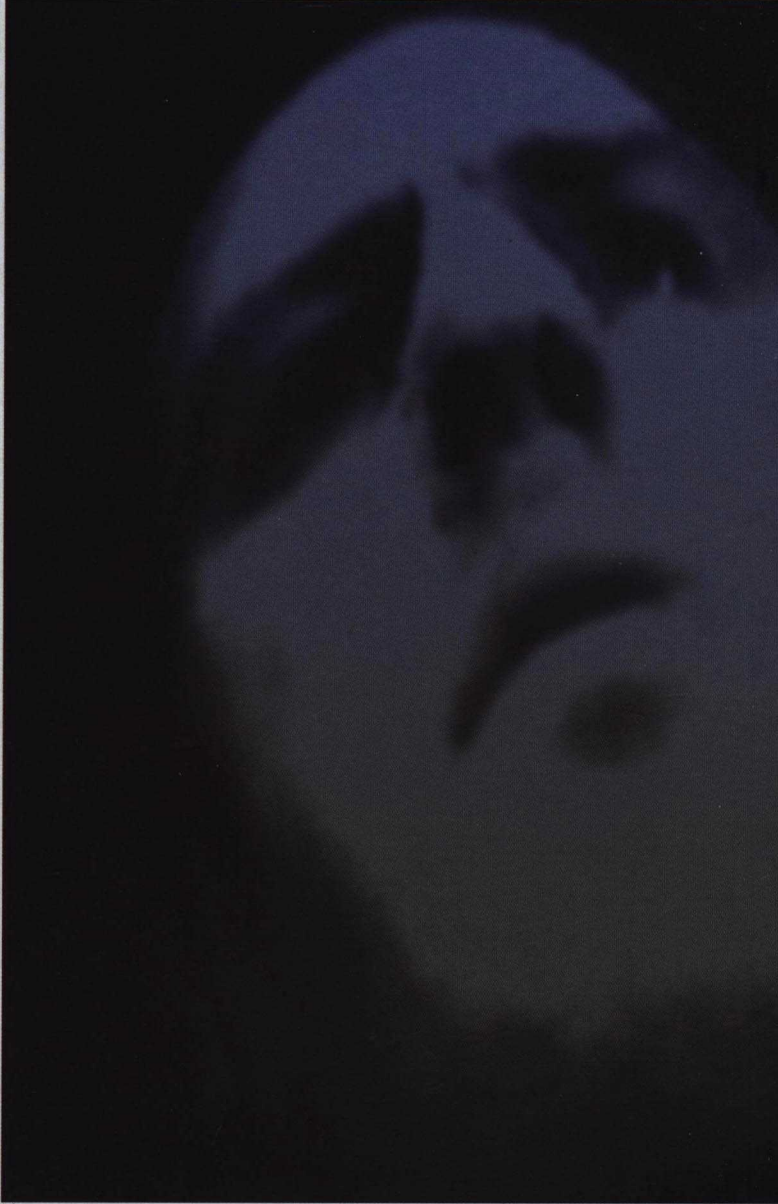
۴



۳



۵



۸



۱۲



۱۱

ملاقات با بانوی سال

بزرگداشت مهین اسکویی

اگرچه مهین اسکویی هفتاد و چهار سال دارد و اگر چه این روزها در بستر بیماریست، اما جوان است چون یکی از اهالی سرزمین عشق است. سرزمین نمایش، سرزمین همواره جوان...



برای کوچکترین عنصر تئاتر وقت و انرژی زیادی صرف می‌کنند، احترامم به تئاتر روز به روز افزون‌تر می‌شد و سعی می‌کردم تجربیات مفیدی کسب کنم. بعد از اینکه دوره بازیگری و کارگردانی را با درجه ممتاز پشت سر گذاشتم، راهی کشور آلمان شدم، دو سال بعد هم به ایران آمدم و کلاس آزاد هنرپیشگی، «دارالفنون» را تأسیس کردم و در کنار آن کلاسهای «آناهیتا» را هم راه انداختم. همزمان سرپرست «گروه هنری زمان» هم بودم. در همان سالها با همکاری عباس جوانمرد، مؤسس گروه «تئاتر ملی»، نمایشنامه‌های صاعقه اثر آستروفسکی و خرس و خواستگاری آنتوان چخوف را در تالار موزه به صحنه بردم. همچنین نمایشنامه‌های در اعماق، نوشته ماکسیم گورکی، سه خواهر، چخوف و... را برای تلویزیون اجرا کردم»

اسکویی در پاسخ به این سال که چرا بعد از انقلاب، تئاتر اجرایی را دنبال نکرده، پاسخ داد: «هیچ وقت از من برای شرکت و حضور جدی در جشنواره تئاتر، دعوتی به عمل نیامد. من آدم گمنامی نیستم. دوست دارم این مطالب را عنوان کنید، که چرا از مهین اسکویی برای حضور و بازی در صحنه دعوت نشده، ببینید در بحرانی‌ترین اوضاع سیاسی کشور در سال‌های پیش از انقلاب، زمانی که اگر کسی جیک میزد، او را حبس و یا اعدام می‌کردند، شهامت به خرج دادم و رفتم یاد گرفتم و برگشتم تا کار کنم. اما نشد... براین باورم، آبیاری هنر تشویق می‌خواهد. در چنین شرایطی از سوی دانشگاه‌های خارجی از من دعوت شد تا در آنجا تدریس کنم، اما ترجیح دادم در ایران بمانم و دینم را به هموطنانم ادا کنم، با خود گفتم وقتی موقعیت

بانو مهین اسکویی متولد ۱۳۰۹، دانش‌آموخته کارگردانی و بازیگری از روسیه. از سال ۶۸ خانه مسکونی خود را به «خانه تئاتر» تبدیل کرده‌است و در آنجا به دور از هیاهوی اداری مشغول تربیت و آموزش علاقه‌مندان به هنر بازیگری و کارگردانی تئاتر است. خانه‌ای که در آن نمایش‌های فراوانی با بازی هنر جویان به صحنه رفته و هنرمندان بزرگی همچون زنده یاد مهدی فتحی، بهروز غریب پور، بهزاد فراهانی، حمید سمندریان و... آنها را تماشا کرده‌اند.

اوایل دهه بیست، وقتی گوش تهران هنوز از صدای چکمه اشغالگران پر بود، مهین اسکویی فعالیت خود را در تئاتر فردوسی با بازی در نمایشنامه ای از عبدالحسین نوشین آغاز کرد و شروع کار اسکویی همزمان با تحولات سیاسی کشور بود. عاملان حکومت وقت ضمن دستگیر کردن عده‌ای از هنرمندان، تئاتر فردوسی را تعطیل کردند. بعد از این حادثه مهین اسکویی در حالیکه ۱۶ سال داشت، به‌خاطر علاقه و ادامه تحصیل در رشته تئاتر به کشور فرانسه رفت و مدتی بعد فرانسه را به قصد روسیه ترک کرد. اسکویی در این باره می‌گوید: «چون در فرانسه دوره کارگردانی آموزش داده نمی‌شود به مسکو رفتم و در یک دوره ۸ ساله رشته کارگردانی و بازیگری را در خدمت «یوری آلكساندر و بیچ زاوانسکی» که از شاگردان ممتاز استانیسلافسکی بود، آموختم. و چون به خاطر مسائل سیاسی و فشار حکومت نمی‌توانستم به وطن بازگردم، در تمام سالهایی که آنجا بودم در زمینه‌های بازی، ترجمه و کارهای تئاتر تجربی فعالیت می‌کردم. حتی از این فرصت برای دوبله فیلم نیز بهره بردم و اولین فیلمی را که دوبله کردم، «کروتی یورگنس» بود. وقتی می‌دیدم هنرمندان روسی

تئاتر و هنر او متکی بر تفکر بود. اعتقاد داشت؛ اگر تفکر نباشد اعمال درونی و بیرونی بازیگر هرگز به وجود نخواهد آمد. اعمالی که ایشان تأکید می کردند در روی صحنه، واقعی، توجیه شده، صحیح، آگاهانه، هدفمند، حساب شده، عمیق، ثمر بخش، منطقی، امکان پذیر و ... انجام شوند. تئاتر و هنر استانیسلافسکی در مسکو تا جایی پیش رفت که چخوف و گورکی را هم به خودشان و هم به تماشاگران شناخت»

بانو مهین اسکویی چند ماهی است که در بستر بیماری به سر می برد، او ضمن عذرخواهی از هنرمندان پیام خود را برای جشنواره اعلام می دارد:

«تئاتر هنر دگرگون کننده ای است. هنری است متکی بر تفکر که نویسنده در خلوت خود با استفاده از به تصویر کشیدن شخصیت ها و ادبیات نمایش آن را متولد می کند و کارگردان تئاتر که به واقع مهندس روح بشر است، آنرا بانگش شخصی و ما به ازای عینی، در ازدحام تماشاگران مشتاق دوباره خلق می کند، هویت می بخشد و زندگی می دهد.»

اجرای تئاتر، برایم وجود ندارد، کارهای تحقیقی و پژوهشی و ترجمه را که می توانم انجام بدهم. به هر حال حاصل کار ۲۰ سال ترجمه و تحقیق و پژوهش، چاپ و انتشار آثار علمی بزرگان ادبیات دراماتیک روسیه بود. آثاری همچون، «کار هنر پیشه بر روی نقش» «کار هنر پیشه بر روی خود در جریان تجسم»، تمامی آثار چخوف و آثاری از آستروفسکی، گلدونی، گورکی و... تصمیم گرفتم در منزل خود کلاس بازیگری دایر کنم که خوشبختانه با استقبال گرم علاقه مندان به تئاتر روبرو شد. به این ترتیب تا حدودی توانستم دین خود را به دوستان هنر، بویژه تئاتری ها ادا کنم. الان مدت ۱۶ سال می شود که در منزل مسکونی ام در کنار هنرآموزان جوان، زندگی می کنم، می آموزم و آموزش می دهم»

بانو مهین اسکویی در مورد شیوه بازیگری استانیسلافسکی و مکتب شاگردش میرهولد می گوید: «اعتقاد دارم، هم روسیه میرهولد را بد فهمید و هم میرهولد عناصر شیوه استانیسلافسکی را، زیرا میرهولد سبک بازیگری استادش را با کار در سیرک اشتباه گرفت و روندی را دنبال کرد که فقط برای تمرین و تربیت هنرپیشه مناسب بود در حالی که استانیسلافسکی به زندگی در تئاتر توجه داشت. زندگی ای که نظم، شکوه و قواعدی تئاتر در آن عناصر مهمی به حساب می آمد. امروزه هنوز هم در آکادمیهای بازیگری دنیا برای پرورش هنرپیشه ها از نظرات وی استفاده می شود، زیرا



گفت و گو با «فیلیپ هوارد» کارگردان نمایش «هنگامی که بلبل از خواندن می ایستد»

در تئاتر، روی متون بین‌المللی کار می‌کنم

مريم رضازاده

«فیلیپ هوارد»، کارگردان نمایش «هنگامی که بلبل از خواندن می ایستد» آموزش دیده تئاتر سلطنتی لندن بوده و زیر نظر «مکس استانفورد کلارک» تعلیم دیده است. او از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ به‌عنوان دستیار کارگردان در «تئاتر تراورس» فعالیت کرده و بعد از سال ۹۶ به‌عنوان یک کارگردان مستقل در این مجموعه مشغول به کار شده‌است. خودش می‌گوید که «تراورس» درست همسن او و «کریستوفر سیمون» (بازیگران نمایش) است، یعنی ۴۰ سال دارد.

«تئاتر تراورس»، در اسکاتلند جدید است. این کمپانی تئاتری در همان سال ۶۳ زیر نظر گروهی از علاقه‌مندان تئاتری تشکیل شد و از همان ابتدا در جست‌وجوی تسخیر روح ماجراجویی و تجربه‌گزینی جشنواره ادینبورگ آغاز به کار کرد و به همین دلیل هم از دهه شصت به بعد «تراورس» در فستیوال ادینبورگ به‌عنوان جایگاه اصلی و مرکز این فستیوال باقی ماند.

اما نمایش «هنگامی که بلبل از خواندن می ایستد» براساس کتابی به‌همین نام از نویسنده فلسطینی «رجاء شهاده» بازنویسی شده است. این کتاب مجموعه‌ای از یادداشتهای روزانه مردی است که از اشغال فلسطین توسط اسرائیلی‌ها نوشته است.

✽ **چطور شد که شما به‌عنوان یک کارگردان اسکاتلندی بر روی متنی فلسطینی با چنین مضمونی کار کردید؟**
- قبل از اینکه یک کارگردان اسکاتلندی باشم، فردی هستم که در گروه تئاتری ام روی متون بین‌المللی کار می‌کنم. «رجاء شهاده» هم نویسنده مطرح فلسطینی است که نوشته‌هایش به انگلیسی ترجمه شده است و ما طی تماسهایی که با هم داشتیم کار را تا اینجا پیش بردیم.

✽ **متن در روند نمایشی شدن چقدر تغییر کرد؟**

- تغییر عمده‌ای نداشت، چون تمام داستان این نویسنده برای من مهم بود، به خصوص اینکه شخصیت اصلی این یادداشتها یک فرد صلحجو و آزادیخواه بود و این مسأله برای من که همواره در کشورم حکومتها را ضد فلسطینی‌ها می‌بینم اهمیت داشت. یعنی این داستان حقیقی برای من خیلی با ارزش بود و به همین دلیل در طول دراماتیزه کردن متن، فقط یادداشتها را به مونولوگهای تئاتری تبدیل کردیم.

✽ **نوع بازی «کم تحرک» سیمون تا چه اندازه به شیوه کارگردان شما و تا چه اندازه به ویژگی‌های متن نمایش مربوط بود؟**

- به اعتقاد من، این بازی چندان هم کم تحرک نبود، چون نباید فراموش کنیم که ما در این تئاتر، ماجرا واقعی یک فلسطینی را با تمام درگیریهای سیاسی او نشان می‌دهیم. فلسطینی‌ای که در تمام مدت در باره خواهر، برادر، مادرش و زندگی و روزهای عمرش حرف می‌زند، پس این نوع بازی لازمه کار ماست. از طرفی باید توجه داشت که تمام حسها و حرکات در صورت بازیگر خلاصه نشده است. گاهی اوقات او کاملاً آرام است و گاهی اوقات از خشم پر می‌شود. گاهی ناراحت و گاه خوشحال است که به اعتقاد من برای چنین متنی همین حالات کافی است.

✽ **در طول نمایش برای مستند کردن کار، مانیتور تصاویری از عرفات و فلسطین و... را پخش می‌کند، این استفاده تکنولوژیک در تئاتر از دید شما چگونه تعریف می‌شود؟**

- این مرد تمام مدت در خانه بوده و تمام برنامه‌ها را از طریق تلویزیون مشاهده می‌کرده، پس تمام رویدادهای بد و اتفاقات ناگوار را از طریق این رسانه دیده است و حالا از این تلویزیون متنفر است، پس من تمام تصاویر ذهنی او را و تمام اتفاقاتی را که از طریق تلویزیون دیده است، نشان می‌دهم، تا حضور خود این فرد را پررنگ تر کنم. یعنی می‌خواهم با نمایش تصاویر، هرچه بیشتر روی این فرد و زندگی او فوکوس کنم.

✽ **انتخاب اجرای این نمایش برای جشنواره فجر هم با توجه به اینکه مردم ایران همواره در جریان این اخبار هستند، صورت گرفته‌است؟**

- ما یکسال پیش این نمایش را در اسکاتلند اجرا کردیم و با استقبال هم روبه‌رو شدیم. آقای اطبايي هم آن زمان کار را دید و خیلی استقبال کرد. در هر حال برای ایشان هم جالب بود که ما روی زندگی این فلسطینی کار کرده بودیم. به همین دلیل هم به گروه پیشنهاد اجرا در فستیوال فجر را داد و ما هم به ایشان اعتماد کردیم، چون چیز زیادی از این فستیوال و سلايق مخاطبان آن نمی‌دانستیم ولی با این‌وجود فکر می‌کنم که مخاطبان ایرانی هم با نمایش ارتباط برقرار کردند.

حسن وارسته عضو گروه تئاتر «نیایش» و از جمله فعالان تئاتر در اسلامشهر است. او در جشنواره امسال با نمایش «داستان باور نکردنی یک زن» حضور دارد.

نمایشی که پیش از این در جشنواره تئاتر دانشجویی سال ۷۷، حضور داشته است. گرچه در آن دوره از جشنواره با توفیقاتی نسبی روبه‌رو می‌شود اما در اجرای عمومی، اقبالی پیدا نمی‌کند و حمایت چندانی از آن صورت نمی‌گیرد. همین بهانه‌ای می‌شود برای رحمت امینی، نویسنده و حسن وارسته، کارگردان نمایش که بخواهند دوباره آن را اجرا کنند. وارسته در این باره می‌گوید: اجرای عمومی ما در تالار مولوی تقریباً خصوصی بود. نمایش ۱۰ شب اجرا شد و در انزوای کامل به‌سر برد.

آنها سال ۷۸ و ۷۹ نیز متن نمایشنامه را به دفتر جشنواره فجر ارائه می‌دهند اما هر سال در مرحله بازخوانی رد می‌شود تا اینکه در سال ۸۳ بعد از چند سال بیکاری و با توجه به تغییر مدیریت، گروه دوباره تصمیم می‌گیرند نمایش را در جشنواره شرکت دهند: «احساس کردیم فضا قدری مطلوب تر شده‌است و تصمیم گرفتیم از طریق شهرستانها و جشنواره‌های منطقه ای وارد جشنواره شویم.»

از سال ۷۷ تا سال ۸۳ نویسنده و کارگردان فرصت کافی برای ایجاد تغییرات مورد دلخواه خود را می‌یابند. ضمن اینکه در این فاصله موفق می‌شوند با حمایت اداره کل ارشاد اسلامشهر، کارگاهی آموزشی را در زمینه تئاتر راه‌اندازی کنند که مبنای آن آموزش علمی و عملی تئاتری بوده است: «روزی ۵ ساعت مبنای مهم تئاتری را با بچه‌ها کار می‌کردیم. علاوه بر این مربیان دیگری نیز در زمینه موسیقی، فنون بازیگری و ... بچه‌ها را آموزش می‌دادند. مربی موسیقی با بچه‌ها سولفوژ کار می‌کرد و تعدادی استاد میهمان نیز مطالب علمی را آموزش می‌دادند.»

گفت‌وگو با حسن وارسته، کارگردان نمایش «داستان باور نکردنی یک زن» از اسلامشهر

تجربه‌ای نو با یک داستان باور نکردنی

و بدین ترتیب «داستان باور نکردنی یک زن» بهانه‌ای می‌شود تا این گروه از فرصت پیش آمده استفاده و با تولید این نمایش در جشنواره شرکت کنند: «در ۹۰ درصد عوامل نمایش از همین گروه انتخاب شده‌اند اما یک بازیگر را به دلیل مشکلاتی که پیش آمد، جایگزین کردم.»

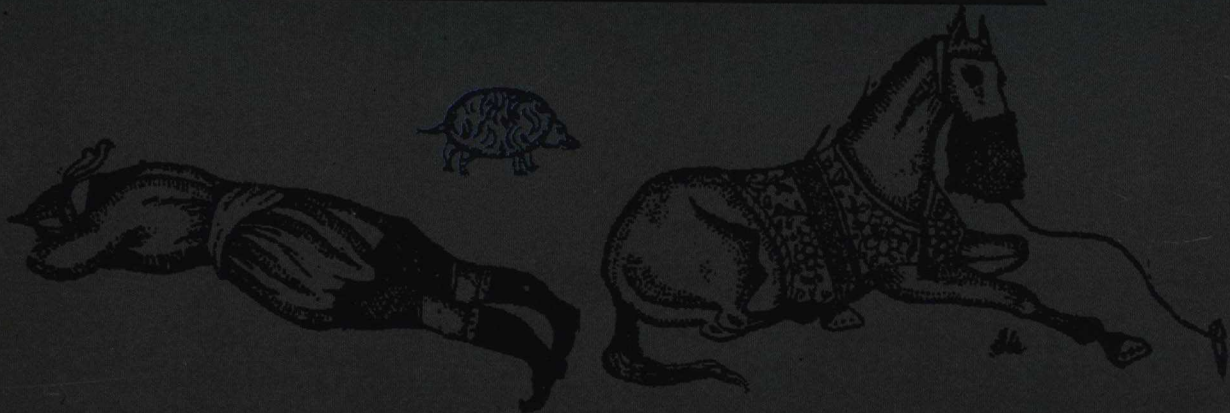
زنی که شوهرش را از دست داده بر گور او می‌نشیند و مدام آن را باد می‌زند تا پس از خشک شدن خاک گور بتواند دوباره از دواج کند و...

این خلاصه‌ای از داستان باور نکردنی یک زن است. داستانی که همچون دیگر آثار این گروه در آن که‌هایی از طنز به چشم می‌خورد. آنها برای اجرای کارهایشان معمولاً شیوه‌های ایرانی را انتخاب می‌کنند: «تلاش می‌کنیم از شیوه‌های ایرانی به شکل کاربردی استفاده کنیم البته نگاهمان به این شیوه‌ها، مدرن و معاصر است. در عین حال دغدغه تجربه در گونه‌های جدید هم جزو اهداف گروه بوده است.

این نمایش قرار است در تالار نو اجرا شود. تالاری که شاید خیلی با کار هماهنگ نباشد اما چون **Black House** است، می‌تواند رابطه با تماشاگران را به‌خوبی برقرار کند زیرا نمایش «داستان باور نکردنی یک زن» در سالن‌های قاب عکسی خیلی جواب نمی‌دهد: «البته شاید تالار نو خیلی هم بر وفق مراد ما نباشد اما باید شرایط جشنواره را درک کرد و وقتی مسئولان ستاد برگزاری در مضیقه قرار می‌گیرند با آنها همکاری کرد.»

وارسته خود، نمایشنامه نویس هم هست اما در بیشتر مواقع ترجیح می‌دهد نمایشنامه یکی دیگر از نویسندگان گروه را کار کند. او معتقد است وقتی دو دیدگاه با هم بر یک متن جمع شوند می‌توان نتیجه بهتری گرفت: «تقابل ذهنیتهای همیشه متمر ثمر است گاهی کارگردان به جنبه‌هایی از متن می‌پردازد که از توجه نویسنده دور بوده است بنابراین ترجیح می‌دهم متن‌هایم را به کارگردانهای دیگر گروه بدهم و خودم هم از متن‌های دیگران استفاده کنم.»

به‌هر حال نمایش «داستان باور نکردنی یک زن» تجربه دیگری از گروه تئاتر «نیایش» است. گروهی که سال ۷۰ توسط تعدادی از دانش‌آموختگان رشته نمایش راه‌اندازی شد و همواره کوشیده‌اند با نگاه کاملاً آکادمیک وارد ماجرا شوند و آزمون و خطا را در گستره تئاتر تجربی سر لوحه کار خود قرار داده‌اند.



"Alhamlet" from Kuwait in the 23rd Festival

Alhamlet, a joint effort of Kuwait and England, was performed yesterday in the main hall of Theater-e-Shahr complex. The play, written and directed by Soleyman Albossem, is a production of The International Art Festival of Tokyo and Soleyman Albossem theater company. The group consists of Kuwaiti and English actors.

Soleyman Albossem, a graduate of Edinburgh University and the founder of Zzoom Theater in London (1996), has won several international awards, including the first prize in Fringe Edinburgh (Alhamlet, 2002), the best performance and directing award in the International Experimental Theater of Cairo (Alhamlet, 2002) and the best play in Khalij Youth Theater Festival (Commerce, 2003).

Albossem has written and performed several plays among which are "Anyone" (1996), "The Game" (1997), "60 Watts of Makbeth" (1999), "Hamlet in Kuwait" (2001), "The Arabic League of Hamlet" (2001), "Alhamlet" (2002), "Ice Melting" (2003) and "Commerce" (2003).

The actors of "Alhamlet" are Nicholas Daniel, Amana Valley, Mona Hoda Davood, Soleyman Albossem, Maryam Ali, Bashar Abdollah and Nigel Brett. The music is composed and performed by Alfredo Jenossi and Luis Gibson respectively. "Alhamlet" is also performed today at 18:30 in the main hall of Theater-e-Shahr complex.

More than 1500 in the halls at Theater-e-Shahr

On the fourth day of the 23rd International Fajr Theater Festival, the main hall of Theater-e-Shahr complex welcomed an audience of 467 who had gathered to see "The Midnight Secrets" from Germany.

"The God Summons John to Galilee" was performed in the presence of 95 and 141 viewers in the first and second acts respectively in Ghashghaii hall.

In Sayeh hall, "The Dream" attracted 95 and 90 viewers in the first and second acts. However, the joint effort of Scotland and Palestine, "When the Nightingale Stops Singing" was watched by an audience of 136 and 90 people in Chaharsoo hall.

In Koochak hall, 85 and 94 viewers gathered to see "The Best Mother Around" in its first and second acts.

"The Stories of Caror" had 65 viewers in its only act and "A Moment of Blinking" in Khorshid hall managed to attract 57 people. The Canadian group work called "Where are You Now?" in the café of the main hall had 96 viewers, whereas "Elo-tria" in Kargah-e-Namayesh had an audience of 56, 62 and 72 in the first, second and third acts.

TODAY'S PERSPECTIVE

Tuesday, January 25th

Vahdat Hall
Performance: 19:00
Antigone
Director: Hakoup Ghazanchian

Sangelaj Hall
Performances: 16:00 – 18:30
The Summer Midnight
Dream
Director: Alinaghi Razaghi

Honar Hall
Performances: 16:00 – 18:00
The Golden Espadrilles
Director: Mohammadreza Vaferi

Molavi Hall
Performances: 15:00 – 17:30
Vitesk
Director: Masood Delkhal

Khaneye Namayesh
Performance: 15:00
Tehran at 22:00
Director: Arash Abbasi

Kargah-e Namayesh (Theater-e-Shahr)
Performances: 14:00 – 18:00 – 20:00
Bitter Like Honey
Director: Atila Pesyani

The Café of the Main Hall (Teriaye Talare Asli)
Performance: 15:00
Ding Maro
Director: Mehdi Saki

Khorshid Hall
Performance: 16:00
The Complaint
Director: Mohammad Mehdi Khatami

No Hall (Theater-e-Shahr)
Performance: 16:00
The Proposal and the Bear
Director: Hassan Majooni

Koochak Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 16:00 – 19:00
Through the Sixth Day

Director: Ali Nargesnejad

Chaharsoo Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 17:00 – 21:00
A Photo to Remember
Director: Ghotbodini Sadeghi

Sayeh Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 17:30 – 20:00
Medea
Director: Golchehreh Sajadieh

Ghashghaii Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 18:00 – 20:00
The Ladies of the Five Castles
Director: Maryam Kazemi

The Main Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 18:30 – 21:00
Alhamlet
Director: Soleyman Albossem

Outdoors (Theater-e-Shahr)

Performance: 14:00
Passion-Play: Horr

Outdoors (Vahdat Hall)
Performance: 22:00
Carmen Fonber
Director: Paul Jequotac

Goftogoo Hall (Review Session)
Performances: 14:00 – 15:00
Moving with Mr.

Merkoshio's Test
Director: Reza Sadeghi
A Dew on the Shoulder of the Sea
Director: Masood Abedinejad

Tajrobeh Hall (Khaneye-Honarmandan)
Performance: 10:00 to 16:00
Waiting for Goodo
Director: Farhad Fozooni



A Tribute to Mahin Oskouiie

A Meeting with the Old Lady

Born in 1930, Mahin Oskouiie is a graduate of a Russian university in dramatic arts. She has transformed her own house into “the Theater House”, where she has been instructing acting and directing since 1981. This is where many plays have been performed, in which students have played parts, and where many great actors such as the late Mehdi Fathi, Behrouz Gharibpour, Behzad Farahani, Hamid Samandarian, etc. have met.

In the early 40’s, when Tehran was still under siege, Mahin Oskouiie started working as an actress in a play by Abdolhossein Noushin at Ferdowsi Theater. This coincided with the political evolutions in Iran. The government arrested several artists, and shut down Ferdowsi Theater. That was when Oskouiie, aged 16, traveled to France to pursue her studies in theater and then left France for Russia.

“Because there was no directing course in France, I had to move to Moscow to take an eight-year acting and directing course, which was thought by Yuri Alexanrovich, who was one of the top students of Stanislavski. As I could not return to Iran due to ever-increasing pressures of the government, I was working in the fields of acting, translation and experimental works all during the time I was in Russia. I even took the opportunity to overdub films, the first of which was “Kruti Yurgens”. As I could see that Russian artists would spend a lot of time and energy on minor theater elements, I felt greater and greater respect for theater everyday and tried to gain fruitful experiences. After I finished the course with top grade, I decided to move to Germany. Two years later, after I returned to Iran, I established “Darolfonoon” acting school and started “Anahita” classes. I was also the supervisor of “Zaman” group at the time. With Abbas Javanmard, the founder of “Theater-e-Melli” group, I staged “Thunderbolt” by Astrovski and “The Bear and the Proposal” by Anton Chekhov in Hozeh amphitheater. We also performed “In depth” by Maxim Gorky and “The Three sisters” by Chekhov for the television,” she mentions.

About Stanislavski and Mirhold’s acting styles, she notes: “I strongly believe that Russia misunderstood Mirhold, and so did Mirhold the elements of Stanislavski’s system. Mirhold had mistaken his teacher’s acting style with circus performance and followed a trend which was suitable in training actors, whereas Stanislavski’s main concern was living with the theater. His ideas are still referred to when educating actors, because his style of acting was based on thinking. He believed that without reflection, no action, whether interior or exterior, would take place. He emphasized that actors’ actions on stage must be real, justified and feasible. His style was so successful that reintroduced Chekhov, Gorky, etc. to the viewers.”

Mahin Oskouiie has been ill for a few months and sends her message to the festival as follows:

“Theater is a revolutionizing art. One which is based on reflection, and is created while the writer is portraying characters in his solitude. And the director of a theater is the engineer of the human soul, which he recreates, identifies and brings to life according to his personal viewpoints and tangible realities.”



6
Theatre
Daily Bulletin of the 23rd
international Fair theatre
Festival

Tuesday, January 25th